

**Designing a Comprehensive Government Model Based on
The Teachings of Prophet Mohammad by Examining Content Analysis**

Received: 05/02/2022

Accepted: 08/05/2022

Mohammad Zadmehr**Hassan Rangriz**

(104-135)

The purpose of this study is to design a comprehensive model of religious government based on the teachings of the Prophet Mohammad. The method is qualitative and with inductive precision. In order to extract the content, the theme analysis technique was used. An important aspect of this research is that on the one hand, most of the studies on government and policy orientation have sought to discover and identify the criteria and indicators of government formation in accordance with the prophetic culture and as if the Islamic society Measured by the standards of Western society. In view of the above, we are actually looking for an answer What are the components of sustainable governance in the teachings of the Prophet Muhammad in order to design a comprehensive model of religious government based on it? It should be known that the way the Prophet of Islam ruled and the way he interacted with the people and the way he and society were governed by him and his agents, is a new thing in the history of governments. In this article, we seek the fact that looking at the duties and efficiency of governments in the form of religious thought is evident. The idea that by referring to the original Islamic texts and teachings provides a clear achievement regarding the Prophetic government to establish and implement the tasks of a government. The results show that the Islamic government should seek a behavioral, structural and content-oriented approach to government in the form of the city of the Prophet with emphasis on the concept of a single nation.

Keywords: Religious Government, Prophet Mohammad, Governance, Government Orientation, Politics, Content Analysis Technique.

¹ . Master student of Human Resources and Business Management, Kharazmi University, Tehran, Iran, mo.zadmehr@gmail.com.

² . Associate Professor, Department of Human Resources and Business Management, Kharazmi University, Tehran, Iran, rangriz@khu.ac.ir.



طراحی مدل جامع حکومت دینی مبتنی بر آموزه‌های حضرت محمد ﷺ با رویکرد تحلیل مضمون

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸

محمد زادمهر⁻حسن رنگریز⁻

(۱۳۵-۱۰۴)

چکیده

هدف این پژوهش طراحی مدل جامع حکومت دینی مبتنی بر آموزه‌های حضرت محمد ﷺ است. روش انجام کیفی و با رویکرد استقرایی است. به‌منظور استخراج مطلب، از فن تحلیل مضمون استفاده شد. جنبه مهم پژوهش این است که بیشتر مطالعات صورت گرفته در خصوص دولت‌مداری و سیاست‌مداری در پی کشف و شناسایی شاخص‌های شکل‌گیری دولت‌ها منطبق بر فرهنگ نبوی نبوده و گویی جامعه اسلامی را با معیارهای جامعه غربی سنجیده است. در واقع، به دنبال پاسخ به این پرسشیم که مؤلفه‌های حکومت‌داری پایدار در آموزه‌های حضرت محمد ﷺ به‌منظور طراحی مدل جامع حکومت دینی مبتنی بر آن چیست. باید دانست شیوه حکومت‌داری پیامبر اسلام ﷺ و روش تعامل آن حضرت با مردم و نحوه اداره جامعه، امری جدید در تاریخ حکومت‌ها محسوب می‌شود. در این مقاله به دنبال این حقیقت هستیم که نگرستن به وظایف و کارایی دولت‌ها در قالب اندیشه دینی هویدا می‌شود؛ اندیشه‌ای که با مراجعه به متون و آموزه‌های اصیل اسلامی، دستاورد روشنی در خصوص دولت نبوی برای استقرار و اجرای وظایف دولت را فراهم می‌آورد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دولت اسلامی باید رهیافت ساختاری، رفتاری و محتوایی دولت‌مداری را در قالب دولت‌شهر نبوی با تأکید بر مفهوم امت واحد جست‌وجو کند.

واژگان کلیدی: حکومت دینی، حضرت محمد ﷺ، حکمرانی، دولت‌مداری، سیاست‌مداری.

— . دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مدیریت منابع انسانی و کسب و کار، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران،

mo.zadmehr@gmail.com

— . دانشیار گروه مدیریت منابع انسانی و کسب و کار، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، rangriz@khu.ac.ir

مقدمه

همانند بسیاری از مفاهیم در علوم اجتماعی، حکمرانی^۱ اصطلاحی جدید نیست. در حقیقت، واژه حکمرانی به صورت علمی و مدرن، نخستین بار در فرانسه در قرن چهاردهم به معنای «مقر دولت»^۲ استفاده شد (بووارد و لوفر، ۱۳۹۳). مفهوم حکمرانی ارتباط تنگاتنگی با حکومت دارد. واژه حکومت داری بیشتر توصیف شیوه‌ای است که کشور به وسیله آن حکومت می‌کند. بنابراین، حکومت داری عرصه وسیع تری از واژه حکومت یا دولت دارد. حکومت داری طرز اقدام اداری، اقتصادی و سیاسی را تبیین می‌کند و گاهی به وسیله حزب سیاسی صاحب قدرت در کشور به انجام می‌رسد. با این تعریف، واژه حکومت داری شامل بخش دولتی است که می‌تواند دو بخش کسب و کار و جامعه مدنی را به آن افزود (رنگریز، ۱۳۹۸).

هر حکومتی برای اجرای سیاست‌هایش، نیازمند منشور پایدار^۳ حکومت است که از آن به عنوان حکومت داری پایدار^۴ یاد می‌شود. در توسعه پایدار، سه الزام یا رویکرد وجود دارد. با سنجش و اجرای این الزامات، می‌توان به منشور پایدار حکومت دست یافت. این الزامات عبارت‌اند از: ۱. الزامات مدیریت توسعه پایدار اقتصادی که از طریق پس‌انداز، منابع ارزشمند حیاتی برای نسل‌های آینده حاصل می‌شود. تحقق این امر به اجرای «اصل توزیع منصفانه و برابر میان نسل‌ها» بستگی دارد؛ ۲. الزامات اکولوژیکی به توسعه پایدار از طریق حفاظت از منابع طبیعی و تجدیدنپذیر، جلوگیری از اثر گل‌خانه‌ای، فرسایش خاک و آلودگی آب‌های زیرزمینی، آسیب‌های زیست‌محیطی و نیز از طریق حفظ ثبات سیستم‌های اجتماعی، برابری میان نسل‌های مختلف، تنوع فرهنگی، ایجاد زمینه برای مشارکت وسیع مردم در تصمیم‌گیری، و تحقق اصل توسعه پایدار عدالت اجتماعی عملی می‌شود (ابراهیم‌پور، ۱۳۸۵).

1. Governance.

2. Seat of Governance.

3. Primes of Sustainability.

4. Sustainable Governance.

مطالعات انجام شده توسط بدیعیان و همکاران (۱۳۹۱) مبین این نکته اساسی است که توجه به متغیرهای جامعه‌شناختی همچون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران، مشارکت، انسجام، همبستگی و همکاری در شکل‌گیری حکومت‌داری پایدار در مدیریت ارزشی - اسلامی اثر بسزایی دارد. همچنین، تعالیم دینی این قدرت را دارند که به صورت محسوس یا نامحسوس خیرخواهی، اعتماد در روابط و عدالت‌محوری را بر اساس رویکرد الهی و توحیدی برای زندگی دنیوی و اخروی جوامع انسانی تضمین کنند (ردادی، ۱۳۸۷).

در واقع، دولت چهارچوبی از ارزش‌هاست که در درون آن زندگی عمومی جریان پیدا می‌کند و خود، قدرت عمومی را در جهت تحقق آن ارزش‌ها به کار می‌برد (بشیریه، ۱۳۷۱). بحث دولت اسلامی از مفاهیم پیچیده سیاسی است؛ زیرا دولت اسلامی از جهتی آکنده از ارزش‌های دینی است، به‌ناچار ساختار و هندسه‌ای ویژه دارد، و تلاقی دین و سیاست مسبب این پیچیدگی است (فیرحی، ۱۳۸۶). باید اشاره کرد که اطلاق صفت «اسلامی» بر دولت، در عالم سیاست محل بحث و اختلاف است: گاهی منظور از دولت اسلامی، دولت‌های آرمانی اسلامی است که همه ضوابط و هنجارهای اسلام را در کانون توجه و عمل خویش قرار داده‌اند. اصطلاح «دولت اسلامی» برای اشاره به دولتی به کار می‌رود که میان وضعیت مطلوب و آرمانی آن از یک طرف، و واقعیت خارجی آن از طرفی دیگر، شکاف و اختلالی نباشد. دولت نبوی و دولت علوی مصداق روشن و کامل چنین تعبیری است؛ گاهی نیز مقصود از دولت اسلامی، «دولت در جهان اسلام» است؛ دولتی که به‌مثابه امر واقع در جهان اسلام ظاهر شده است؛ خواه این دولت صالح باشد یا فاسد. مطابق با این دیدگاه، صرف اینکه دولتی در جهان اسلام پدید آید و استمرار داشته باشد، دولت اسلامی خوانده می‌شود (برزگر، ۱۳۸۳).

جنبه مهم این پژوهش در این است که بیشتر مطالعات صورت‌گرفته در خصوص دولت‌مداری و سیاست‌مداری در پی کشف و شناسایی معیارها و شاخص‌های شکل‌گیری دولت‌ها منطبق بر فرهنگ نبوی نبوده و گویی جامعه اسلامی را با معیارهای جامعه غربی سنجیده است. با توجه به موارد ذکر شده، در واقع به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که مؤلفه‌های حکومت‌داری پایدار در آموزه‌های حضرت محمد ﷺ به منظور طراحی مدل جامع

حکومت دینی مبتنی بر آن چیست. باید دانست شیوه حکومت‌داری پیامبر اسلام ﷺ و روش تعامل حضرت با مردم و نحوه اداره جامعه توسط ایشان و کارگزارانشان، امری جدید در تاریخ حکومت‌ها محسوب می‌شود (دیباچی، ۱۳۸۷). برای پاسخ به پرسش مطرح‌شده، پژوهش اکتشافی از نوع کیفی با رویکرد استقرایی کمک شایان توجهی می‌کند.

چهارچوب نظری

یکی از پارادایم‌های جدید در مدیریت دولتی، حکومت‌داری پایدار محسوب می‌شود و باور بر این است که فراتر از حکومت‌داری خوب، می‌تواند زمینه را برای توسعه پایدار و متوازن فراهم کند. اصل پاسخ‌گویی، اصل مشارکت، اصل توجه به معیارهای چندبعدی در تصمیم‌گیری، اصل پیشگیری، اصل تحلیل هزینه‌فایده در حوزه‌های اقتصادی و اکولوژیکی و اجتماعی و اصل مشارکت از اصول و ویژگی‌های مهم حکومت‌داری پایدار است (Costanza & et. al., 1998; Clemens, 2003). نتیجه اجرای بد سیاست‌های حکومت‌داری خوب، توسعه پایدار و تعدیل ساختاری خصوصی‌سازی، حکومت‌داری ناپایدار است، که در برخی دولت‌های پس از انقلاب می‌توان جست‌وجو کرد (رنگریز، ۱۳۹۸). حکومت‌داری خوب و توسعه پایدار دو جنبه کلیدی دارد: نخست، هدف هر دو توسعه مشارکت عمومی است و هر دو محیطی را ایجاد می‌کنند که در آن دولت، سازمان‌های اجتماعی، بخش خصوصی و افراد حقیقی بتوانند در برنامه‌ریزی و مدیریت جامعه مشارکت داشته باشند؛ دوم اینکه هر دو، هم‌فرایندگرا و هم‌نتیجه‌گراست. دستیابی به حکومت‌داری خوب و پایدار مستلزم وجود سیستم برنامه‌ریزی و نظارت مستمر است (Porter, 2002).

مطالعات متعددی در خصوص حکومت‌داری پایدار انجام گرفته است. برنامه‌های توسعه سازمان ملل (۱۹۹۷) ویژگی و اصول حکومت‌داری خوب را مشارکت در تصمیم‌گیری، قانون‌محوری، شفافیت، عدالت و برابری، اثربخشی و کارایی، پاسخ‌گویی و مسئولیت و بینش استراتژیک عنوان می‌کند. ماریت و زلکی (۲۰۰۰) عنوان کردند که حکومت‌داری خوب تحت قوانینی مشخص موجب توسعه پایدار می‌شود. در نتیجه، آنچه برای تحقق توسعه پایدار پیش‌بینی شده بود در عمل با تشکیک مواجهه، و نتیجه آن توجه به

مؤلفه جدیدی با عنوان حکومت‌داری پایدار شد. کلمنز (۲۰۰۳) مدلی را برای توسعه پایدار مطرح کرده که به مدل کی‌آی‌پی‌آی (KIPI)^۱ معروف است. بر اساس این مدل، حکومت‌داری پایدار در مثلی قابل تصور است که دارای سه بعد شفافیت، مشارکت عمومی و ظرفیت محیط طبیعی است. گاردینر (۲۰۰۲) معتقد است برنامه‌های حکومت‌داری خوب باید بر ویژگی‌هایی مبتنی باشد: سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی مناسب؛ پاسخ‌گویی نهادهای دموکراتیک به نیازهای مردم، قانون‌محوری، معیارهای ضدفساد، برابری جنسیتی و ایجاد ظرفیت لازم برای سرمایه‌گذاری.

از مفهوم حکمرانی در یک دهه گذشته به صورت گسترده‌ای صحبت و استفاده شده است. یکی از مفاهیمی که امروزه در ادبیات بین‌المللی حکومت‌شناسی وجود دارد و بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی به آن پرداخته‌اند، موضوع حکومت خوب است که معیارهای بسیاری برای آن معرفی شده است. این معیارها بر اساس هدف و ماهیتشان در صورت تحقق یافتن، بدون شک موجب افزایش کیفیت حکمرانی خواهند شد و چون با هدف توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پایدار شکل گرفته‌اند، می‌توانند از منافع عمومی حفاظت کنند و در نهایت، موجب جلب اعتماد جامعه به حکمرانی و رضایت از حکومت شوند (سیاحی، ۱۳۹۸). حکمرانی خوب در سطح جامعه به تقابل رابطه شهروندان به عنوان ذی‌نفعان و قدرت حاکم اشاره دارد و به نوعی مدیریت کردن مدیران محسوب می‌شود. مفهوم حکومت مطلوب در طی زمان به وسیله مکتب‌ها و پارادایم‌های گوناگون در طول تاریخ به نحوه‌های مختلف بررسی شده است (رونقی، ۱۳۹۸).

فارغ از مفهوم جهانی حکومت، دین اسلام نیز در حکومت نکات بسیاری دارد که از جایگاه حاکم و حاکمیت قابل بررسی و توجه بسیار است. در قرآن واژگان متعدد ناظر به موضوع حکومت، مانند امامت، خلافت، مُلک، ولایت، اولوالامر، حُکم و بیعت به کار رفته است. همچنین، خداوند مالک و فرمانروای آسمان‌ها و زمین (برای نمونه، ر. ک. بقره: ۱۰۷؛ آل‌عمران: ۱۸۹) و تنها حاکم واقعی و سرپرست مؤمنان خوانده شده (برای نمونه، ر.

1. Key Integrated Performance Indicator.

ک. بقره: ۲۵۷؛ انعام: ۵۷) و اوست که مُلک و فرمانروایی را به اراده خود به افراد معین می‌دهد یا از آنان می‌ستاند (ر. ک. بقره: ۲۴۷؛ آل عمران: ۲۶). در آیه ۵۵ سوره نور، خدا به مؤمنان صالح وعده حاکمیت بر زمین را داده است. در برخی آیات، از حکمرانی (مُلک) شماری از مؤمنان و پیامبران، به اذن الهی از جمله آل ابراهیم و طالوت، یوسف، داود و سلیمان سخن به میان آمده و برای داود نبی تعبیر خلیفه به کار رفته (مثل بقره: ۲۴۷ و ۲۵۱؛ نساء: ۵۴؛ یوسف: ۲۲؛ انبیاء: ۷۹؛ ص: ۲۰، ۲۶ و ۳۵)، و خلافت که به جعل الهی به بندگان خاص خدا داده شده است، اقتضا دارد که خلیفه آراسته به اخلاق الهی باشد (طباطبایی، ۱۳۶۳). همچنین، در قرآن به ویژگی‌های شماری از حاکمان و حکومت‌های ستمگر و نامطلوب از جمله فرعون اشاره شده (برای نمونه، ر. ک. اعراف: ۱۲۷؛ یونس: ۸۳؛ قصص: ۴) و بر ضرورت فرمان برداری نکردن از استبدادگران و اعتماد نورزیدن به ستمگران و حرمت پذیرش ولایت «طاغوت» تأکید شده است (ورعی، ۱۳۸۸).

آموزه‌های دینی به ما می‌گویند کلمه حکم و مشتقات آن مثل حَکَمَ، أَحْکَمُ، تَحْکُمُونَ و حُکَم حدود ۸۵ مرتبه در قرآن به کار رفته‌اند. مسلم است واژه حکومت به معنای اصطلاحی امروزی در قرآن نیامده است، اما حکم و واژگان برگرفته از آن که ماهیتاً با حکومت نسبتی دارند، نوعاً درباره قضاوت و داوری به کار رفته‌اند. این داوری گاهی به عنوان ویژگی خداوند و گاهی دستوری است از طرف خداوند به پیامبر خود و البته در مواردی توصیفی است که خداوند درباره نادرستی داوری آدمیان دارد. باید در نظر داشت که واژه حَکَم در بسیاری از مواضع قرابت معنایی بسیاری با حکومت دارد و معنای دستور، امر، حاکمیت و تسلط را می‌رساند (رنگریز، ۱۳۹۸).

به طور کلی، در قرآن کریم سه دسته از آیات را می‌توان سراغ داشت که ضمن دلالت مستقیم بر حاکمیت و فرمانروایی پیامبر اکرم ﷺ، ساختاری از حکومت نبوی را به عنوان مدلی برای حکومت دینی ارائه می‌دهند: یک دسته از این آیات مقام پیامبر را نه از نظر عالم الوهیت و تقدس، که در جای خود مسلم و پذیرفته است، بلکه از نظر رابطه حاکم و مردم، به ویژه حاکم معصومی چون پیامبر نشان می‌دهد؛ دسته دوم جایگاه دین را به عنوان پایه حکومت و ایدئولوژی دولت معرفی می‌کند و اجرای احکام الهی را مطرح می‌سازد؛ دسته

سوم آیاتی است که نسبت پیامبر و مؤمنان را در حکومت اسلامی نشان می‌دهد، و با بیانی دقیق و ترسیمی ظریف، مردم‌گرایی اسلام را در جامعه معرفی می‌کند (مقیم، ۱۳۹۹: ۲۰۶).

«مدل مدینه نبی» در میان حکومت‌های بشری یکتاست، بدان جهت که فرزندی حاکم و افتادگی او را یک‌جا داراست؛ در مقابل بزرگ‌ترین قدرت‌ها پیروز (مفاد آیاتی چون ۲۸ سوره فتح و ۹ سوره صف) و با ضعیف‌ترین انسان‌ها، مثل فقرا و ایتم همراه و همراز است (مفاد آیاتی از قبیل سوره انشراح)؛ پیش از آنکه مردم دست خود را برای بیعت با حاکم پیش ببرند، قلب خود را فتح‌شده رفتار او می‌یابند (مفاد آیه ۱۵۹ سوره آل عمران)؛ حاکم کوچک‌ترین منفعی را نه در قانون‌گذاری نه در اجرا برای خود و طبقه خویش پیش‌بینی نکرده (مفاد آیاتی مثل آیه ۹۰ سوره انعام و آیه ۲۳ سوره شوری)، بلکه سختی‌های بیشتری نسبت به دیگر شهروندان جامعه در حق خود روا داشته است (مفاد آیه ۶ سوره کهف)؛ از همه دیدگاه‌ها و از تمام کسان در مشاوره بهره می‌برد (مفاد آیه ۱۵۹ سوره آل عمران) و برای آنان سهمی قائل است، بآنکه خود در بسیاری از امور، هم به لحاظ انسانی و هم سبب رحمانی، پیش‌تر و بیشتر است؛ و این کار بدان دلیل انجام می‌گیرد که هدف حاکم در این حاکمیت، شکوفایی همه استعدادها و به‌کارگیری تمام توانایی‌هاست. در جامعه‌ای که پیامبر اسلام به دنبال سامان‌دهی آن هستند، همه مردم امت واحد تلقی می‌شوند. سلیقه‌ها و گرایش‌ها در میان مردم امری اجتناب‌ناپذیر است و همین سلیقه‌ها و گرایش‌ها به ضمیمه منافع شخصی، گروهی و صنفی، هسته احزاب را در جوامع دمکراتیک به‌وجود می‌آورند (مقیم، ۱۳۹۹: ۲۰۷).

در آیه ۵۹ سوره نساء مقصود از اطاعت از خدا، اطاعت و فرمان‌برداری از اوامری است که در شئون مختلف و به‌وسیله پیامبر و وحی به ما رسیده و منظور از اطاعت رسول، اطاعت از اوامری است که رسول به‌عنوان «ولی امر» و «حاکم» درباره اداره امور جامعه و شئون اجتماعی، سیاسی و قضایی صادر می‌فرمایند. به همین جهت، کلمه «اطیعوا» تکرار شده و اطاعت از رسول را جدای از اطاعت از خدا قرار داده است. قرآن کریم در حدود سی مورد به اطاعت از رسول فرمان می‌دهد. از اینجا معلوم می‌شود که منظور از اطاعت از رسول الله

اوامری است که به‌عنوان «ولّی امر مسلمین» در شئون مختلف حکومت صادر می‌فرمایند. بنابراین، بخش میانی آیه دلالت روشنی دارد بر اینکه رسول‌الله «ولّی امر» و «حاکم» بر جامعه اسلامی است. به تعبیر دیگر، شئون رسول خدا دو جنبه دارد: اول، جنبه بیان احکام الهی است و دوم، جنبه زعامت و زمامداری است (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۴).

در جهان امروز اندیشه‌های بسیاری برای حکومت‌داری وجود دارد. اعتقاد به لیبرالیسم^۱، سکولاریسم^۲ و حتی کمونیسم^۳ در بسیاری از کشورها رواج دارد. می‌توان گفت پارادایم موجود در جهان امروزی و رهیافت‌هایی همچون وبرگرایی و مارکسیست به دنبال آن است که سه وظیفه اساسی توزیع عادلانه ثروت و رفاه، تخصیص منابع و امکانات و تثبیت اقتصادی را به‌انجام برساند. مطالعات نشان از آن دارد که این رهیافت‌ها موفق نبودند؛ چراکه از یک‌سو بی‌عدالتی‌ها، هرز منابع و بی‌ثباتی اقتصادی در سطح جهان به اوج خود رسیده و از سوی دیگر مسیر دولت‌مداری و سیاست‌مداری در رهیافت وبرگرایی مبتنی بر حداکثرسازی لذت و سود فردی به جای سود اجتماعی است (رنگریز، ۱۳۹۸).

باید دانست تقابل اسلام به‌عنوان برنامه کامل زندگی مادی و معنوی در مقابل این مکتب‌ها عرصه مهمی از محافل فکری، سیاسی و دانشگاهی امروز دنیاست. بررسی ویژگی‌ها و عملکرد دولت نبوی و دولت علوی از این جهت لازم و ضروری است که عرصه یک‌تازی یک‌جانبه مکتب‌های فوق را که قائل به جدایی دین از عرصه‌های اجتماعی هستند خواهد گرفت. اساس فلسفی مکاتب نام‌برده شده به‌ویژه لیبرالیسم چنین نظری دارد که انسان موجودی عقل‌گرا و خردمند است و بر اساس این عقل می‌تواند آزادانه در زندگی خود رفتار کند. سلب آزادی از فرد به معنای نفی عقل‌گرایی و خردمندی اوست و نفی توان عقل‌گرایی و خردمندی انسان به نفی آزادی می‌انجامد (افروخته، ۱۳۹۹). این در حالی است که اسلام ضمن آزادی عملی که به انسان در انتخاب می‌دهد، بر مفاهیم معنوی و حضور دین در جامعه تأکید دارد.

1. Liberalism.

2. Secularism.

3. Communisme.

آنچه درباره حکومت پیامبر پرسیده و بررسی می‌شود این است که آیا حاکمیت فرستاده‌شده از سوی خداوند نیز جنبه الهی دارد و همانند رسالت، وظیفه و دستور الهی محسوب می‌شود یا مسئله‌ای تابع شرایط زمان به‌شمار می‌آید. به عبارت دیگر، شکی در این نیست که پیامبر اسلام ﷺ حاکمیت داشتند و حکومت تشکیل دادند، اما آیا تشکیل حکومت وظیفه الهی بود و حکومت ایشان از قداست همسان قداست رسالتشان بهره‌مند بود یا حاکمیت حضرت زابیده شرایط سیاسی زمان بود و امکان داشت که ایشان در صورت شرایط دیگر، به دنبال حاکمیت نروند. به علاوه، آیا حاکمیت حضرت همچون سخنان عبادی، اعتقادی و اخلاقی‌شان، برای ما الگو محسوب می‌شود و باید از آن الگو برداری کرد یا جزو وظایف دینی نیست (ردادی، ۱۳۸۷).

پژوهشگران در این مقاله به دنبال این حقیقت هستند که نگرستن به وظایف و کارایی دولت‌ها در قالب اندیشه دینی هویدا می‌شود؛ اندیشه‌ای که با مراجعه به متون و آموزه‌های اصیل اسلامی، دستاورد روشنی در خصوص دولت نبوی برای استقرار و اجرای وظایف مطرح دولت را فراهم می‌آورد. یکی از متون اساسی و معتبر در ساخت دولت شهر نبوی، نوشته‌ای معروف به «صحیفه النبی» یا «قانون اساسی مدینه» است که پیامبر اسلام ﷺ با قبایل مستقر در مدینه و مهاجران قریش و یهودیان منعقد کردند (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۷). این پیمان عمومی که رسول خدا ﷺ در همان سال نخست هجرت میان عموم ساکنان یترب اعم از مسلمانان، یهودیان و مشرکان طرح کردند، نخستین گام ساختاری برای تأسیس دولت مبتنی بر آموزه‌های دینی به‌شمار می‌آید (فیرحی، ۱۳۸۶).

روش پژوهش

انتخاب روش مناسب مهم‌ترین گام در فرایند پژوهش پس از مشخص شدن زمینه و موضوع پژوهش است. برای این کار، باید پارادایم، استراتژی و سایر عناصر فرایند پژوهش به‌درستی معین شوند. هدف این پژوهش شناخت مؤلفه‌ها و ابعاد مدل جامع حکومت دینی مبتنی بر آموزه‌های حضرت محمد ﷺ است. بنابراین، این پژوهش از نظر هدف، پژوهشی اکتشافی یا بنیادین است و در زمره پژوهش‌های تک‌مقطعی قرار می‌گیرد. از لحاظ روش، از نوع کیفی

است، و باتوجه به اینکه از جزء به کل رسیده‌ایم، رویکرد این پژوهش استقرایی است. برای استخراج مفاهیم از متون مرتبط با سیره پیامبر اسلام ﷺ، از رویکرد تحلیل مضمون که روش تحلیل کیفی در خورتوجه، قوی و پرکاربرد برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل است، استفاده شد. مضمون یا تم بیانگر چیز مهمی در خصوص داده‌ها درباره سؤالات پژوهش است. در این باره، پژوهشگر باید تا حدودی منعطف باشد؛ زیرا تبعیت صرف از قواعد در این خصوص کاربردی ندارد (سلطانی و خانی، ۱۳۹۵). از تحلیل مضمون می‌توان به خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد. قالب مضامین فهرستی از مضامین را به صورت سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد. شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره‌هایی نشان می‌دهد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). در نهایت، همان‌گونه که استرلینک^۱ (۲۰۰۱) بیان می‌کند، شبکه مضامین بر اساس روشی مشخص، مضامینی را نظام‌مند می‌کند: الف) مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)؛ ب) مضامین سازمان‌دهنده (مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه)؛ ج) مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان کل). سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه وب یا الگورسم می‌شوند که در آن مضامین برجسته هریک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (همان).

برای اعتبارسنجی تحلیل مضمون، به جای استفاده از واژگان روایی و پایایی که اساساً و از لحاظ مبانی فلسفی ریشه در پارادایم کمی دارند، می‌توان از معیار «اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد» استفاده کرد (Twining, 2000). از همین دسته، لینکلن و گوبا^۲ برای قابل اعتماد بودن پژوهش‌های کیفی، معیارهایی چون امکان اعتبار، اتکاپذیری یا توانایی اتکا، انتقال‌پذیری یا توان انتقال، تصدیق یا امکان تأیید را ارائه کرده‌اند (سینکوویچ، ۲۰۰۸)^۳ که از طریق راهبردهای متعددی نظیر ردیابی حسابرسی‌گونه، بازبینی در زمان کدگذاری، طبقه‌بندی یا تأیید نتایج با مراجعه به آزمودنی‌ها یا منابع اسنادی، تأیید

1. Stirling.

2. Lincoln & Guba.

3. Sinkovics.

همکاران پژوهشی، تحلیل مورد کیفی، تأیید ساختاری و کفایت منابع ارجاع شده استفاده می‌شود (دانایی‌فرد و مظفری، ۱۳۸۷). در این پژوهش، سنجه‌های مذکور به طرق مختلف تدارک شده که از مهم‌ترین آن‌ها، راهبرد «کدگذاران مستقل» است. این راهبرد فرایندی رایج برای ارزیابی و کنترل کیفیت تحلیل مضمون است (King & Horrocks, 2010). هدف کدگذاری مستقل کمک به پژوهشگر است تا به طور انتقادی درباره ساختار مضامین پیشنهادی خود و تصمیماتی که درباره کدها گرفته است فکر کند. همان‌گونه که حکاک و همکاران (۱۳۹۷) بیان کردند، برای سنجش پایایی یا قابلیت اعتماد در بین کدگذاران مستقل نیز روش‌های مختلفی وجود دارد، که در این پژوهش، از روش توافق درصدی که پراستفاده‌ترین و ساده‌ترین روش برای سنجش پایایی بین کدگذاران است استفاده شد؛ به این صورت که از چهار نفر از خبرگانی که به طور مستقل کدگذاری را انجام داده‌اند، کدهایی پذیرفته شد و به جمع‌بندی رسید که بیش از نصف یا پنجاه درصد از کدگذاران بر آن صحنه گذاشته بودند.

پیشینه پژوهش

از آنجاکه در این خصوص مطالعات خارجی وجود ندارد و بیشتر مطالعات انجام شده در داخل ایران است، جدول ۱ پیشینه پژوهش را به طور مبسوط بیان می‌کند.

جدول شماره ۱. پیشینه پژوهش

شماره	عنوان	پژوهشگر(ان)	سال انتشار	محل انتشار	چیکه
۱	روش حکومتی پیامبر ﷺ در مدیریت سرمایه اجتماعی	حامد جوکار	۱۴۰۰	نشریه مدیریت سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی دارای تعاریف مختلف است، اما فارغ از تفاوت‌های موجود، یکی از محورهای اصلی این مفهوم ارتباطات و روابط شبکه‌ای و گروهی است. براین اساس، کنشگری افراد یا حکومت‌ها برای مداخله در چگونگی روابط و

<p>مناسبات اجتماعی بر کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی اثر مستقیم می‌گذارد. از آنجاکه حکومت نبوی الگویی مناسب برای حکومت‌های اسلامی به‌شمار می‌رود، می‌توان با بررسی کنش‌های حکومتی ایشان، راهکارهایی برای افزایش سرمایه اجتماعی جوامع اسلامی به‌دست آورد. بنابراین، هدف این پژوهش کشف اصول و راهکارهای افزایش سرمایه اجتماعی مبتنی بر سیره عملی پیامبر ﷺ است. در این پژوهش سعی شد با نگاه توصیفی-اکتشافی و روش تحلیل مضمون اسنادی، روش ایشان در اصلاح روابط و مناسبات اجتماعی و تشکیل جامعه اسلامی از سیره استخراج و در ادامه اثر آن اقدام یا اصل در کیفیت روابط اجتماعی بررسی شود. ایجاد امت واحد اسلامی بر مبنای برادری، گسترش عدالت و مبارزه با تبعیض، پاسداشت حقوق اقلیت‌ها و گسترش مفهوم جامعه، و تعیین معیار تابعیت از اصول عملی برآمده از سیره پیامبر ﷺ در اصلاح روابط و مناسبات اجتماعی و ایجاد ساختار مناسب اجتماعی است که به افزایش سرمایه اجتماعی</p>					
--	--	--	--	--	--

<p>مسلمانان منجر شد.</p>					
<p>تعیین مؤلفه‌های حکمرانی شایسته یکی از دغدغه‌های ذهنی بشر کنونی در حوزه‌های اجتماعی است، که لازم است با رویکردی اندیشه‌ای به این موضوع پرداخته شود. در این مقاله سعی شده است با جمع‌بندی نظریه‌های مربوط به این حوزه و با رجوع به اندیشه اسلامی و سیره حکومتی پیامبر اسلام ﷺ، مؤلفه‌های اساسی حکمرانی شایسته در دوره ده‌ساله حکومت ایشان در مدینه‌النبی استخراج شود تا گامی مؤثر در موضوعات میان‌رشته‌ای جدید برداشته شود. استخراج سیره طبق اصول مطالعات سیره‌پژوهشی و روش تحلیل داده‌ها بر اساس مطابقت با چهارچوب نظری یعنی حکمرانی مطلوب انجام شده است. براین اساس، ضمن بررسی الگوهای مختلف بازآفرینی دولت، خدمات عمومی جدید و مردم‌سالار در حوزه حکمرانی شایسته، الگوی دولت مردم‌سالار که شامل شش مؤلفه اصلی حکمرانی شایسته است، همخوان‌تر از الگوهای دیگر برای تحلیل سیره ایشان در موضوع مدنظر تشخیص داده</p>	<p>نشـریـه پژوهش‌های علم و دین</p>	<p>۱۳۹۷</p>	<p>جلال درخشه و سیدمهدی موسوی‌نیا</p>	<p>مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام ﷺ</p>	<p>۲</p>

<p>شد. با بهره‌ای که از آثار موجود در این زمینه برده شد، مؤلفه‌های حکمرانی شایسته بدین شرح مورد توجه واقع شد: قانون‌گرایی، فسادستیزی، شفافیت، رفق و مدارا، عدالت‌محوری، مشارکت‌طلبی، اثربخشی و پاسخ‌گویی.</p>					
<p>هدف این نوشتار بررسی سیره حکومتی پیامبر اعظم ﷺ است. در ابتدا ضرورت تشکیل حکومت از سوی پیامبر اعظم ﷺ بررسی و سپس از سیره آن حضرت در این باره بحث می‌شود. در این راستا پرسش‌هایی مطرح می‌شود: الف) ضرورت تشکیل حکومت از سوی پیامبر اعظم ﷺ چیست؟ ب) پاسخ شبهات موجود در زمینه حکومت آن حضرت چیست؟ ج) اقدامات اولیه پیامبر ﷺ در تشکیل حکومت کدام‌اند؟ د) مهم‌ترین مؤلفه‌های سیره حکومتی پیامبر اعظم ﷺ چیست؟ در پاسخ به پرسش اول تحقیق، مواردی مانند ضرورت عقلی تشکیل حکومت از سوی انبیا و همچنین لزوم الهی بودن حکومت از دیدگاه قرآن بررسی می‌شود. در پاسخ به پرسش دوم تحقیق، شبهاتی درباره حکومت آن حضرت مانند</p>	<p>نشریه حبل المتین</p>	<p>۱۳۹۱</p>	<p>وجیهه صالحی</p>	<p>بررسی سیره حکومتی پیامبر اعظم ﷺ</p>	<p>۳</p>

<p>شان پیامبر در تبشیر و انذار و نبود نهادهای حکومتی در مدینه عصر پیامبر مطرح و پاسخ‌های اجمالی ارائه می‌شود. در پاسخ به سؤال سوم، مؤلفه‌های حکومتی پیامبر اعظم ﷺ مانند ایجاد وحدت سیاسی و حذف نظام طبقاتی مطرح، و در پاسخ به پرسش چهارم، مواردی مانند عدالت‌خواهی، قاطعیت، شهامت و وفاق اجتماعی بررسی می‌شود. کلیدواژگان: پیامبر اعظم ﷺ، حکومت، سیره، قرآن کریم.</p>					
<p>رعایت حقوق اساسی افراد و گروه‌ها از شاخص‌های جامعه مدنی است. مطابق قرآن کریم، یکی از اهداف مهم رسالت پیامبران این بوده است که افراد و گروه‌های انسانی، حقوق یکدیگر را به رسمیت بشناسند و در موارد اختلافی به نزاع و ستیزه روی نیاورند، بلکه در عوض به داوری قانون عدل تن در دهند. قرآن مجید به‌عنوان آخرین کتاب آسمانی، تأکید کرده که مهم‌ترین شأن «کتاب» همان شأنی است که در عرف امروز به «قانون اساسی» نام‌بردار است تا در بین مردم به حق داوری کند و پاسدار حقوق اساسی آن‌ها باشد. پیامبر</p>	<p>دوفصلنامه کتاب قیم، دوره اول، ش ۱</p>	<p>۱۳۹۰</p>	<p>محمد کاظم شاکر و محمد حسین لطفی</p>	<p>صحیفه النبی؛ نماد قانون‌گرایی در حکومت نبوی</p>	<p>۴</p>

<p>اسلام ﷺ وقتی به مدینه رفتند، دولت شهر مدینه را تشکیل دادند و سنگ بنای حقوق اساسی این جامعه مدنی را در پیمان‌نامه‌ای بنیان نهادند که به «صحیفه النبی» شهرت یافته است. این مقاله نخست موضوع قانون عدل و جایگاه آن در قرآن و آموزه‌های انبیا را به اختصار و به مثابه مقدمه این نوشته بررسی کرده و سپس به تفصیل به تحلیل ابعاد صدوری و محتوایی صحیفه النبی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که حاکمیتی که پیامبر ﷺ به دنبال آن بودند، صدها سال از زمان خود پیش بوده و بسیاری از ویژگی‌های دولت مدرن را که امروزه از مطالبات جامعه بشری است نیز دارا بوده است.</p>					
<p>برای تحلیل سیره سیاسی - حکومتی پیامبر اعظم ﷺ، نخست هدف ارسال رسل بررسی شده است. در اندیشه قرآنی علامه طباطبایی، این بحث از انسان‌شناسی آغاز می‌شود و به معرفت‌شناسی و فلسفه اجتماعی-سیاسی و سپس فلسفه وحی و نبوت می‌انجامد. ویژگی‌های انسان و علوم و ادراکات او به گونه‌ای است که به شناخت حقایق هستی و</p>	<p>نشریه علوم سیاسی ش پاییز ۳۵، ۱۳۸۵ ش ۳</p>	<p>۱۳۸۵</p>	<p>پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رتال جامع احمد رضا یزدانی مقدم</p>	<p>مبانی نظری سیره سیاسی - حکومتی پیامبر اعظم ﷺ</p>	<p>۵</p>

<p>بهره‌گیری از دیگر موجودات در طی طریق و حرکت استکمالی منجر می‌شود؛ از جمله به زندگی اجتماعی منزلی و مدنی و استخدام دیگر انسان‌ها و اجتماع انسانی و بهره‌گیری از آن‌ها. از آنجاکه پایه زندگی اجتماعی - سیاسی انسان استخدام و رفع نیازهای وجودی خود بود، در هر جا و هر زمان که امکان فراهم می‌آورد استخدام و بهره‌گیری به صورت یک طرفه اعمال می‌شد، و اگر این استخدام یک طرفه ادامه می‌یافت، بذر شرک و بت پرستی بود. خدای سبحان پیامبران را برانگیخت تا با تربیت انسان و ارائه قانون اجتماعی، زندگی اجتماعی انسان را سامان عادلانه بخشند. دین الهی و انسانی که برای آزادسازی انسان و فراهم آوردن بستر حرکت استکمالی او آمده است، باید ویژگی‌هایی داشته باشد؛ از جمله اختصاص ندادن دریافت معارف و حقایق دینی به عده اندکی از مردم. سیره پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ نیز چنین بود که دین را بر عام و خاص عرضه کردند. سیره سیاسی - حکومتی پیامبر ﷺ سیره امامت بود، نه پادشاهی و اظهار حقایق اسلام از سوی او</p>					
--	--	--	--	--	--

به صورت دعوت به کلیات و مجملات؛ و در بیان احکام، تدریجی بودن را در پیش گرفتند تا با مردم همراهی و ارفاق کنند. ایشان در دعوت و ارشاد و اجرا نیز مراتب دعوت گفتاری و دعوت انکاری و جهاد را رعایت می کردند.					
--	--	--	--	--	--

(منبع: یافته‌های پژوهش)

یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که بیان شد، در مرحله نخست پژوهش، یافتن مضامین پایه مد نظر قرار گرفت. پس از استخراج جملات کلیدی و پایش آن، ۳۴ مضمون پایه به دست آمد که در جدول ۲ آورده شده است.

جدول شماره ۲. داده‌های مرتبط با مضمون پایه

ردیف	مضمون پایه	داده
۱	احزاب و توجه به عقاید گوناگون	پیامبر ﷺ کثرت‌گرایی اجتماعی و سیاسی نبودند و اصالت را به چند حزبی و تکثر عقیده‌ها نمی‌دادند، اما چند حزبی و اختلاف عقاید را چه در حوزه اسلام و چه در نسبت اسلام با دیگر ادیان و عقاید، کاملاً برمی‌تافتند.
۲	پذیرش تمام گروه‌های مردم	در قرآن آیات فراوانی به عنوان مبنای آزادی عقیده، اندیشه و گفتار، فعالیت و رفتار اجتماعی قابل اشاره‌اند؛ همانند سوره بقره، فرقان و کافرون.
۳	نظام اداری	در موارد بسیاری قرآن بر پذیرش افراد و طرد نکردن آن‌ها تأکید دارد.
۴	شفافیت و گفت‌وگو با مردم	زمانی که عمر بن خطاب در روزگار خلافت خویش به دیوان‌ها سامان بخشید، کاری جز ادامه همان نظام اداری که از زمان پیامبر به جا مانده بود، انجام نداد.
		پیامبر اکرم ﷺ با آنکه درس ناخوانده بودند، با فرهنگی که در مکاتبات و مفاهیم سیاسی به وسیله نامه‌نگاری، انعقاد

		عهدنامه‌ها و میثاق‌ها و دعوت‌های مکتوب از سران قوم‌ها و ملت‌ها و مذاهب به وجود آوردند، بنیان‌گذار مکتب خاصی در سیاست و حکومت بشری شدند.
۵	ایدئولوژی دولت اسلامی	دسته‌ای از آیات قرآن به جایگاه دین به‌عنوان پایه حکومت و ایدئولوژی دولت اشاره دارند و اجرای احکام الهی را مطرح می‌سازند.
۶	مردم‌گرایی اسلامی مردم‌سالاری دینی	دسته‌ای از آیات قرآن نسبت پیامبر ﷺ و مؤمنان را به‌عنوان رکنی از حکومت دینی نشان می‌دهند، و با بیانی دقیق و ترسیمی ظریف، مردم‌گرایی اسلام را به‌عنوان رکنی از حکومت دینی طرح، و آن را مایه زنده بودن دین و برقراری سلامت و آرامش در جامعه معرفی می‌کنند.
		رابطه حاکم و مردم یا برعکس، نسبت مردم با حاکمیت، بیانگر مبانی مشروعیت نظام است که انواع مختلفی دارد، اما آنچه در جامعه امروزی پذیرفته شده همان مشروعیت نظام‌های دمکراتیک است.
		این رابطه در حاکمیت دینی چنان‌که دیدیم، در یک نگاه کلی رابطه‌ای است که سخت به اقبال مردم و استقبال آنان از حاکمیت وابسته است و اساساً دین الهی و حاکمیت دینی مبتنی بر پذیرش مردم، واقعیت اجتماعی می‌یابد.
		رفتار انسان‌گرایانه پیامبر ﷺ با مردم، ترویج کرامت با هم‌نوعان بود.
۷	اقتدار حاکمیت	اقتدار حاکمیت وابستگی به جایگاه حاکم دارد.
۸	تدبیر و اولویت امور اجتماعی	آیه شش سوره احزاب (با مفهوم اینکه رسول خدا ﷺ در برابر مؤمنان از خودشان صاحب اختیارترند (طباطبایی، ۱۳۶۳))، چنان‌که مفسران گفته‌اند، به معنای اولویت در تدبیر امور اجتماعی، اولویت در فراخوان برای یک وظیفه اجتماعی، برتری در اطاعت کردن از پیامبر تا اطاعت کردن از دیگران از خواست‌های خود و برتری در حاکمیت است.
۹	پیروی از حاکمیت	مطابق آیات متعدد قرآن مانند آیه ۵۹ و ۸۰ سوره نساء، اطاعت از پیامبر در واجبات و پرهیز از آنچه نهی می‌کند، چه در امور عبادی و چه در امور اجتماعی لازم است.

۱۰	قدرتمند بودن حاکمیت نظام اجتماعی مستحکم است.	قدرتمند بودن حاکمیت
۱۱	اسلام به‌عنوان ایدئولوژی جامعه اسلامی باید دارای حکومت و حاکمیت باشد. این حاکمیت متناسب با زمان، اما مبتنی بر اصول ثابت دین، از یک عصر تا عصر دیگر صورتی متفاوت می‌گیرد، اما هدف و غایتی واحد دارد.	ارتباط حاکمیت و ایدئولوژی
۱۲	مطابق آیه ۷۵ سوره نساء، نجات افراد و به طور کلی مصادیق مبارزه و دفاع از مردم جز با جامعه‌ای از مسلمانان که دارای حاکمیت مبتنی بر دین و آیین جامعه (یعنی دین اسلام) باشد، به گونه دیگر متصور نیست.	مبارزه برای مردم و دفاع از آنان
۱۳	آیاتی که به قصاص، دیات، حدود و به طور کلی اجرای احکام الهی پرداخته و مسلمانان را موظف به انجام آن‌ها کرده‌اند، مستلزم داشتن ساختار حکومتی برای جامعه اسلامی اند و بدون آن، یا اجرا ممکن نیست یا اگر ممکن باشد، جامعه دچار آناارشیسم و هرج و مرج می‌شود.	حاکمیت برای تضمین اجرای دقیق احکام الهی
۱۴	مطابق آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، به خاطر لطف خداوند، تو بر مردم رئوف و مهربان شده‌ای و اگر درشت‌خوی و سنگدل بودی، هر آینه از اطرافت پراکنده می‌شدند.	مردم‌داری
۱۵	مطابق آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، با مسلمانان در امور مختلف مشورت کن (در کار آن‌ها را طرف مشورت قرار بده (طیب)، (۱۳۸۹)).	مشارکت مردم در حاکمیت مشورت در امور
۱۶	یکی از مسائل مهم در مدینه پیامبر، مسئله میثاق و بیعت‌هاست. میثاق و بیعت پدیده‌ای دیرینه میان اعراب بود، و اسلام جنبه‌های دینی و اجتماعی به آن بخشید و همچون ابزاری از مشروعیت مردمی بدان نگریست.	مشروعیت
	برپایی حکومت دینی که زمینه اجرای عدالت است از اهداف پیامبران محسوب شود و اساس آن به پذیرش مردم مربوط می‌شود.	

<p>میثاق‌ها و بیعت‌های پیامبر همانند پیمان عقبه اول و دوم از مردم صدر اسلام که ساختار قبیله‌ای داشتند یک امت واحد و نیرومند ساخت و آن پیوستگی اجتماعی اولیه را که ابن خلدون از آن به‌عنوان شاکله هر جامعه یاد می‌کند، به عصیبتی بسیار فراتر، یعنی همان اجتماع عظیم مسلمانان، تبدیل کرد.</p>	<p>اتحاد مردم</p>	<p>۱۷</p>
<p>فتح مکه الگویی از پیوند سیاست و کرامت را به جهان عرضه داشت و بسیاری از مشرکان را متحیر ساخت؛ چراکه در این پیروزی هیچ تقاصی حتی از سخت‌ترین دشمنان به‌عمل نیامد، بلکه پس از عرضه اسلام به آن‌ها، پیمان دوستی و برادری با همه برقرار شد.</p>	<p>سیاست و کرامت</p>	<p>۱۸</p>
<p>پیامبر ﷺ همه دشمنان خود را بخشیدند و چندان بزرگواری و جوانمردی ورزیدند که همه آنان بی‌درنگ اسلام آوردند.</p>		
<p>پیامبر اسلام ﷺ در جنگ خیبر به سپاهیان اسلام سفارش کردند که نرمی و مدارا و شفقت و ملاحظت را در حق شکست‌خورده‌گان و دستگیرشدگان و زخمیان از یاد نبرند.</p>	<p>اخلاق حاکم</p>	<p>۱۹</p>
<p>امروزه حقوق بشر و مصوبه‌های مربوط به دفاع از غیرنظامیان، زنان، کودکان و اسیران جنگی در جنگ‌ها، پس از سالیان زیاد و عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم، به قوانینی برای رعایت حقوق انسانی رسیده‌اند و این تجربه گران‌سنگ را از کشتارهای بی‌رحمانه جنگ جهانی به‌دست آورده‌اند، نه لزوماً بر اساس تعهد فطری و الهی؛ اگرچه در عمل هم بسیار کم توفیق به‌دست می‌آورند؛ در صورتی که در شاخص حکومت نبوی این اصل اساسی بود و نه تنها از روی اضطرار یا شگرد سیاسی بدان ملتزم نشده بودند، بلکه حتی در شرایط تنگ اقتصادی و سیاسی هم بدان پایبند بودند و آن را چون قانونی مقدس پاس می‌داشتند.</p>	<p>حقوق بشر</p>	<p>۲۰</p>
<p>اسوه بودن پیامبر ﷺ در بعد حاکم بودن او هم هست و کسانی که او را اسوه می‌گیرند و عبادت، اعتقاد و اخلاق خود را بر مبنای سیره پیامبر ﷺ تنظیم می‌کنند باید حاکمی را که انتخاب کنند که نزدیک به شخصیت و افعال ایشان باشد.</p>	<p>اسوه بودن حاکم</p>	<p>۲۱</p>
<p>مطابق آیه ۲۵ سوره حدید، ما پیامبران خویش را با معجزات</p>	<p>عدالت در حاکمیت</p>	<p>۲۲</p>

<p>آشکار فرستادیم و میزان را هم نازل کردیم تا مردم به برپایی عدالت قیام کنند. در اینجا مراد از «میزان»، یا همین ترازوی مورد استفاده در دادوستدهاست که نماد قسط و عدالت است یا قوانین شریعت که معیار سنجش حق از باطل است یا عقل بشر که میزان شناخت نیک از بد است (قرآنی، ۱۳۹۸).</p>		
<p>هدف از ارسال پیامبران برپایی عدالت است.</p>		
<p>مطابق آیه شانزده سوره یونس، من پیش از بعثت سالیانی در میان شما بوده‌ام. این ویژگی مربوط است به ارتباط، شناخت و زیست حاکم در جامعه‌ای که قرار است حاکمیت آن را به دست گیرد.</p>	<p>شناخت حاکم از جامعه</p>	<p>۲۳</p>
<p>حکومت نبوی که باید آن را از عناصر اصلی مدینه‌النبی برشمرد، دارای جایگاهی استراتژیک است. تاریخ نشان می‌دهد که مسلمانان با تحمل سختی‌های جان‌کاه شعب ابی طالب، در برابر حوادث بعدی مصون و مقاوم شدند.</p>	<p>مقاومت مردم برای پایداری حاکمیت</p>	<p>۲۴</p>
<p>هجرت در مدل حکومتی پیامبر پدیده‌ای چندمنظوره بود و منافع زیادی برای تثبیت موقعیت این حاکمیت جدید داشت.</p>		
<p>به وسیله هجرت، پیش از آنکه حکومت رسمی مدینه تشکیل شود، پیام اسلام از حجاز تا حبشه و در سرزمین‌ها و شهرهای بینابین، گسترش یافته بود و این برای توسعه همه‌جانبه و تثبیت حکومت اسلامی ضرورت داشت.</p>	<p>دیپلماسی فعال</p>	<p>۲۵</p>
<p>پیامبر اسلام ﷺ زمانی که در مکه بودند، به چینش نیروهای خود در مسئولیت‌های مختلف پرداخته بودند. مثلاً کاتبان وحی، نویسندگان نامه برای اشخاص مشهور، سفیران اسلام برای بعضی از شهرها و ممالک و مسئولان برپایی نماز و اذان و نشست‌های دینی مشخص بودند.</p>	<p>مدیریت منابع انسانی</p>	<p>۲۶</p>
<p>سومین اقدام مهم پیامبر در مدینه، تأسیس دبیرخانه‌ای که به محاسبات مالی و شناسایی افراد و مشاغل پردازد بود.</p>	<p>ساختار اداری و سازمانی حکومت</p>	<p>۲۷</p>
<p>اما آنچه از ابتکارات دولت پیامبر در وظایف این دیوان اداری محسوب می‌شود و پیش از آن سابقه نداشت، سرشماری مردم مسلمان مدینه است که پیامبر ﷺ طی نامه‌ای به یکی از اصحاب، آن را دستور دادند. این کار ادامه یافت و مبنای محاسبات دیوان</p>	<p>مدیریت جامعه</p>	<p>۲۸</p>

اداری برای جنگ‌ها، تقسیم غنایم و صدقات و دیگر محاسبات بود و مدیریت سخت و پیچیده آن زمان را آسان کرد.		
سند قانون اساسی دولت‌شهر مدینه با بیان پرداختن و ستاندن خون بها که در آن آمده بود، به شمشیر پیامبر ﷺ آویخته بود. این سند شامل دست‌کم سه مورد است: قانون اساسی مدینه، حریم مدینه و اسنان الابل و الجراحات (که ظاهراً معیاری برای انواع هزینه‌ها با شمارش سال و ماه آن‌هاست).	قانون اساسی	۲۹
پیامبر ﷺ برای آماده نگاه داشتن لشکریانشان، به مانورهای نظامی می‌پرداختند. این هم دستور خداوند بود؛ چنان‌که فرمودند: هر چه در توان دارید در مقابله با دشمنان آماده کنید.	استراتژی نظامی	۳۰
۲۳ پیمان‌نامه که تماماً برای صلح، آشتی و زندگی مسالمت‌آمیز بود.		
معامله پیامبر ﷺ و یارانشان در جنگ‌ها با افراد شکست‌خورده، که نمونه آن در تاریخ جنگ‌ها وجود ندارد. این رفتار انسانی در جنگ‌ها تا آنجاست که ناظر وقایع را به این حقیقت رهنمون می‌شود که صرف‌نظر از جنگ‌های ناخواسته، جنگ‌هایی که پیامبر ﷺ در آن‌ها شروع‌کننده بودند، در حقیقت پیام‌آور صلح و سلامت و مبشر عدالت بود.	صلح و آشتی	۳۱
پیامبر اسلام ﷺ هیچ جنگ و دفاعی انجام ندادند، مگر آنکه به خاموش شدن فتنه یا توسعه عدالت و دین اسلام منجر شد.	دفاع از جامعه	۳۲
حاکم کوچک‌ترین منفعتی را نه در قانون‌گذاری نه در اجرا برای خود و طبقه خویش پیش‌بینی نکرده است.	توجه به تعارض منافع	۳۲
بدان سبب که از همه دیدگاه‌ها و تمام کسان در مشاوره امور بهره می‌برد و برای آنان سهمی قائل است، با آنکه خود در بسیاری امور، هم به لحاظ انسانی و هم به سبب رحمانی، پیش‌تر و بیشتر است و این کار بدان دلیل انجام می‌گیرد که هدف حاکم در این حاکمیت شکوفایی تمام استعدادها و به‌کارگیری همه توانایی‌هاست.	توجه به تضارب آرا	۳۳
حکومت دینی از ویژگی انقلابیگری در مرحله عرضه و دفاع از آرمان‌ها و از ویژگی اصلاح‌گرایی در مرحله تثبیت ارزش‌ها بهره می‌گیرد.	توجه به اصلاحات در جامعه	۳۴

همان‌گونه که در جدول ۲ آورده شده است، با بررسی تاریخچه حکومت نبوی با توجه به کتاب پیامبران دولتمرد (ردادی، ۱۳۸۷)، مضامین پایه استخراج شد. مضمون پایه نزدیک‌ترین درون‌مایه به جملات کلیدی است. به‌عنوان مثال، مضمون عبارت «سند قانون اساسی دولت شهر مدینه با بیان پرداختن و ستاندن خون‌بها که در آن آمده بود، به شمشیر پیامبر ﷺ آویخته بود. این سند شامل دست‌کم سه مورد است: قانون اساسی مدینه، حریم مدینه و اسنان الابل و الجراحات (که ظاهراً معیاری برای انواع هزینه‌ها با شمارش سال و ماه آن‌هاست)»، «قانون اساسی» در نظر گرفته شده است. همچنین، مضمون «مطابق آیه ۲۵ سوره حدید، ما پیامبران خویش را با معجزات آشکار فرستادیم و میزان را هم نازل کردیم تا مردم به برپایی عدالت قیام کنند»، «عدالت در حاکمیت» نام‌گذاری شده است. روند کدگذاری به همین ترتیب تا پایان ادامه داشت. در مرحله بعد، پژوهشگر با بررسی مضامین پایه (کدهای اولیه)، ضمن توجه به عظمت و بزرگی حکومت نبوی، سه الزام کلی در کدها کشف کرد. این الزامات همان رویکردهای حکومت‌داری پایدار نامیده شد؛ چراکه برای ایجاد و فراگیر شدن حکومت پایدار در کشور، این الزامات مورد نیاز است و اگر مخدوش شوند، بخشی از حکومت آسیب خواهد دید:

الزام اول «مدیریت در حوزه مسائل اقتصادی» نام گرفت. منظور مدیریتی است که از طریق پس‌انداز، منابع ارزشمند حیاتی برای نسل‌های آینده حاصل شود. تحقق این امر به اجرای «اصل توزیع منصفانه و برابر میان نسل‌ها» بستگی دارد. تأکید اصلی این الزام در حکومت نبوی بر بُعد مدیریتی و رفتاری توسعه اقتصاد است. ماهیت این الزام به نحوی است که رعایت آن به خود حکومت‌ها وابسته است. اجرای این نوع از مدیریت در گرو نگاه به داخل کشور به جای نگاه به خارج یا دولت‌های خارجی است (رنگریز، ۱۳۹۸). به‌عنوان مثال، در سیره حکومت نبوی با توجه به عبارات «سومین اقدام مهم پیامبر ﷺ در مدینه تأسیس دبیرخانه‌ای بود که به محاسبات مالی و شناسایی افراد و مشاغل پردازد» یا «اما آنچه از ابتکارات دولت پیامبر در وظایف این دیوان اداری محسوب می‌شود و پیش از آن سابقه نداشت، سرشماری مردم مسلمان مدینه است که پیامبر ﷺ طی نامه‌ای به یکی از اصحاب آن را دستور دادند. این کار ادامه یافت و مبنای محاسبات دیوان اداری برای جنگ‌ها، تقسیم

غنایم و صدقات و دیگر محاسبات بود و مدیریت سخت و پیچیده آن زمان را آسان می‌کرد»، می‌توان اشاره به وظیفه مهم تأمین و مدیریت منابع مالی را دید؛

الزام دوم «مدیریت در حوزه مسائل اجتماعی» نام گرفت. منظور مدیریتی است که از طریق حفظ ثبات سیستم‌های اجتماعی، برابری میان نسل‌های مختلف، تنوع فرهنگی، ایجاد زمینه برای مشارکت وسیع مردم در تصمیم‌گیری و تحقق اصل توسعه پایدار عدالت اجتماعی عملی می‌شود (رنگریز، ۱۳۹۸). عبارتی مانند «مطابق آیه ۲۵ سوره حدید، ما پیامبران خویش را با معجزات آشکار فرستادیم و میزان را هم نازل کردیم تا مردم به برابری عدالت قیام کنند»، «هدف از ارسال پیامبران برابری عدالت است» یا «پیامبر اسلام ﷺ هیچ جنگ و دفاعی انجام نداد مگر آنکه به خاموش شدن فتنه یا توسعه عدالت و دین اسلام منجر شد»، نشان‌دهنده توسعه عدالت اجتماعی در عرصه‌های گوناگون در حکومت نبوی است؛

الزام سوم مدیریتی «مدیریت در حوزه مسائل سیاسی» نام گرفت. منظور ساختاری است که در صورت مدیریت صحیح آن، ساختار سیاسی از تمام نیرو در سمت پیشرفت نظر همگان بهره‌مند خواهد شد و باید به گونه‌ای حل شود که اولاً برآورده‌کننده منفعت همگان باشد، ثانیاً توانایی‌های مادی و معنوی ساختار را آزاد بگذارد؛ به نحوی که نسل‌های آینده از وجود آن آسایش خاطر داشته باشند و عزم و توانایی‌های خود را به سمت مسائلی که در آینده‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر در مسیر ملت قرار می‌گیرد به‌کار گیرند (اخباری و دیگران، ۱۳۹۴). تأکید اصلی این الزام در حکومت نبوی بر بُعد مدیریتی و رفتاری توسعه سیاسی است. عباراتی مانند «پیامبر ﷺ یک کثرت‌گرای اجتماعی و سیاسی نبود و اصالت را به چندحزبی و تکثر عقیده‌ها نمی‌داد، اما چندحزبی و اختلاف عقاید را چه در حوزه اسلام و چه در نسبت اسلام با دیگر ادیان و عقاید کاملاً برمی‌تافت» و «پیامبر اکرم ﷺ با آنکه درس ناخوانده بود، با فرهنگی که در مکاتبات و مفاهیم سیاسی به‌وسیله نامه‌نگاری، انعقاد عهدنامه‌ها و میثاق‌ها و دعوت‌های مکتوب از سران قوم‌ها و ملت‌ها و مذاهب به‌وجود آورد، بنیان‌گذار مکتب خاصی در سیاست و حکومت بشری شد»، از مواردی است که در حکومت نبوی درباره این الزام به آن پرداخته شده است.

درنهایت، رابطه بین مضامین سه‌گانه به این شکل مطرح است: حکومت‌ها در مسائل

اقتصادی به دنبال تعریف مجدد، ساختار مجدد و مهندسی اقتصادی هستند؛ نگاهی که می‌تواند عدالت اقتصادی را در جامعه فراهم آورد و به سطح زیربنایی معروف است؛ مسائل اجتماعی ظرفیت‌سازی توسعه پایدار اجتماعی را پدید می‌آورد؛ توسعه‌ای که حاکمان می‌توانند عدالت اجتماعی را در جامعه مستقر کنند، و به سطح ظرفیت‌سازی معروف است؛ سرانجام در مسائل سیاسی، هدایت منابع انسانی در راستای مسیر پیشرفت مدنظر حاکمان در قالب اسناد بالادستی مطرح است؛ نگاهی که می‌تواند عدالت سیاسی را در جامعه مهیا کند، و به سطح بازخورد معروف است.

جمع‌بندی این الزامات را می‌توان در جدول ۳ دید.

جدول شماره ۳. مضامین پژوهش

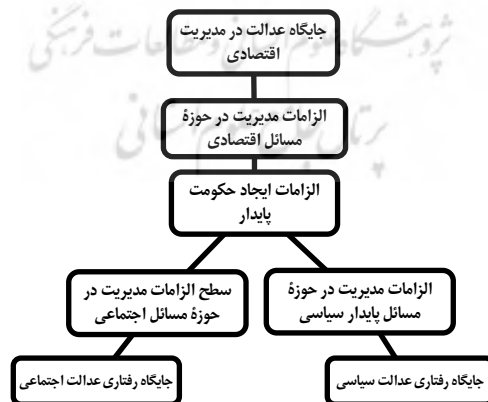
مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
سومین اقدام مهم پیامبر ﷺ در مدینه، تأسیس دبیرخانه‌ای بود که به محاسبات مالی و شناسایی افراد و مشاغل پردازد.	جایگاه عدالت در مدیریت اقتصادی	سطح الزامات مدیریت در حوزه مسائل اقتصادی
اما آنچه از ابتکارات دولت پیامبر ﷺ در وظایف این دیوان اداری محسوب می‌شود و پیش از آن سابقه نداشت، سرشماری مردم مسلمان مدینه است که پیامبر ﷺ طی نامه‌ای به یکی از اصحاب آن را دستور دادند. این کار ادامه یافت و مبنای محاسبات دیوان اداری برای جنگ‌ها، تقسیم غنایم و صدقات و دیگر محاسبات بود و مدیریت سخت و پیچیده آن زمان را آسان می‌کرد.		
مطابق آیه ۲۵ سوره حدید، ما پیامبران خویش را با معجزات آشکار فرستادیم و میزان را هم نازل کردیم تا مردم به برپایی عدالت قیام کنند.	جایگاه رفتاری عدالت اجتماعی	سطح الزامات مدیریت در حوزه مسائل اجتماعی
هدف از ارسال پیامبران برپایی عدالت است.		
پیامبر اسلام ﷺ هیچ جنگ و دفاعی انجام ندادند، مگر آنکه به خاموش شدن فتنه یا توسعه عدالت و دین اسلام منجر شد.	جایگاه رفتاری عدالت سیاسی	سطح الزامات مدیریت در حوزه مسائل پایدار سیاسی
پیامبر ﷺ کثرت‌گرای اجتماعی و سیاسی نبودند و اصالت را به چندحزبی و تکثر عقیده‌ها نمی‌دادند، اما چندحزبی و اختلاف عقاید را چه در حوزه اسلام و چه در نسبت اسلام با دیگر ادیان و عقاید کاملاً برمی‌تافتند.		

<p>پیامبر اکرم ﷺ با آنکه درس ناخوانده بود، با فرهنگی که در مکاتبات و مفاهیمات سیاسی به وسیله نامه‌نگاری، انعقاد عهدنامه‌ها و میثاق‌ها و دعوت‌های مکتوب از سران قوم‌ها و ملت‌ها و مذاهب به وجود آوردند، بنیان‌گذار مکتبی خاص در سیاست و حکومت بشری شدند.</p>	
<p>امروزه حقوق بشر و مصوبه‌های مربوط به دفاع از غیرنظامیان، زنان، کودکان و اسیران جنگی در جنگ‌ها، پس از سالیان زیاد و عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم، به قوانینی برای رعایت حقوق انسانی رسیده‌اند و این تجربه گران‌سنگ را از کشتارهای بی‌رحمانه جنگ جهانی به دست آورده‌اند، نه لزوماً بر اساس تعهد فطری و الهی؛ اگرچه در عمل هم بسیار کم توفیق به دست می‌آورند؛ در صورتی که در شاخص حکومت نبوی این اصل اساسی بود و نه تنها از روی اضطرار یا شگرد سیاسی بدان ملتزم نشده بودند، بلکه حتی در شرایط تنگ اقتصادی و سیاسی هم بدان پایبند بودند و آن را چون قانونی مقدس پاس می‌داشتند.</p>	

(منبع: یافته‌های پژوهش)

باتوجه به جدول ۳ می‌توان نمای تصویری یا شبکه مضامین پژوهش را در قالب شکل ۱ نشان داد.

شکل شماره ۱. شبکه مضامین پژوهش



(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتیجه‌گیری

یکی از مفاهیم جدید در حوزه میان‌رشته‌ای مدیریت منابع انسانی، مفهوم حکومت‌داری پایدار است که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های گوناگون قرار گرفته است. در جهان امروز، اندیشه‌های بسیاری برای حکومت‌داری وجود دارد. اعتقاد به لیبرالیسم، سکولاریسم و حتی کمونیسم در بسیاری از کشورها رواج دارد. باید دانست تقابل اسلام به‌عنوان برنامه کامل زندگی مادی و معنوی در مقابل این مکتب‌ها عرصه مهمی از محافل فکری، سیاسی و دانشگاهی امروز دنیاست. بررسی ویژگی‌ها و عملکرد دولت نبوی و دولت علوی از این جهت لازم و ضروری است که عرصه یک‌تازی یک‌جانبه این مکتب‌ها را که قائل به جدایی دین از عرصه‌های اجتماعی هستند خواهد گرفت. اساس فلسفی مکاتب نام‌برده شده به‌ویژه لیبرالیسم چنین نظری دارد که انسان موجودی عقل‌گرا و خردمند است و بر اساس این عقل می‌تواند آزادانه در زندگی خود رفتار کند، سلب آزادی از فرد به معنای نفی عقل‌گرایی و خردمندی اوست و نفی توان عقل‌گرایی و خردمندی انسان به نفی آزادی می‌انجامد. این در حالی است که اسلام ضمن آزادی عملی که به انسان در انتخاب می‌دهد، بر مفاهیم معنوی و حضور دین در جامعه تأکید دارد. از آنجاکه رهیافت‌های ذکر شده پاسخ‌گوی شکل‌گیری حکومت‌داری پایدار ارزشی-اسلامی نیستند، خلأ مطالعه رهیافت سومی تحت عنوان حکومت‌داری پایدار بر اساس آموزه‌های دینی به‌ویژه حکومت نبوی بیشتر نمود می‌یابد. مفهوم حکومت‌داری پایدار در پژوهش‌های دانشگاهی ایران توجهات زیادی را به خود جلب کرده است، اما پژوهش‌هایی که با نحله فلسفه دینی آن را ملاحظه کنند، چندان درخور توجه نیستند. پس، این پژوهش مؤلفه‌های حکومت‌داری پایدار مبتنی بر حکومت نبوی را در قالب الگوی مدون مطرح ساخت. این الگو شامل سه سطح از الزامات برای شکل‌گیری و ایجاد حکومت‌داری پایدار است:

الزام اول «مدیریت در حوزه مسائل اقتصادی» نام گرفت. منظور مدیریتی است که از طریق پس‌انداز، منابع ارزشمند حیاتی برای نسل‌های آینده حاصل شود. تحقق این امر به اجرای «اصل توزیع منصفانه و برابر میان نسل‌ها» بستگی دارد. تأکید اصلی این الزام در حکومت نبوی بر بُعد مدیریتی و رفتاری توسعه اقتصاد است. ماهیت این الزام به نحوی

است که رعایت آن به خود حکومت‌ها وابسته است. اجرای این نوع از مدیریت در گرو نگاه به داخل کشور به جای نگاه به خارج یا دولت‌های خارجی است؛

الزام دوم «مدیریت در حوزه مسائل اجتماعی» نام گرفت. منظور مدیریتی است که از طریق حفظ ثبات سیستم‌های اجتماعی، برابری میان نسل‌های مختلف، تنوع فرهنگی، ایجاد زمینه برای مشارکت وسیع مردم در تصمیم‌گیری و تحقق اصل توسعه پایدار عدالت اجتماعی عملی می‌شود؛ الزام سوم مدیریتی «مدیریت در حوزه مسائل سیاسی» نام گرفت. منظور ساختاری است که در صورت مدیریت صحیح آن، ساختار سیاسی از همه نیرو در سمت پیشرفت نظر همگان بهره‌مند خواهد شد و باید به گونه‌ای حل شود که اولاً برآورده‌کننده منفعت همگان باشد، ثانیاً توانایی‌های مادی و معنوی ساختار را آزاد بگذارد؛ به‌نحوی که نسل‌های آینده از وجود آن آسایش خاطر داشته باشند و عزم و توانایی‌های خود را به سمت مسائلی که در آینده‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر در مسیر ملت قرار می‌گیرد، به کار گیرند. تأکید اصلی این الزام در حکومت نبوی بر بُعد مدیریتی و رفتاری توسعه سیاسی است.

پژوهش‌های پیشین خلأ الگوی سلسله‌مراتبی را به خوبی پُر نکرده‌اند. پژوهش‌های انجام‌شده در گذشته باینکه اصول و ویژگی‌های حکومت‌داری پایدار را مطرح ساختند، در محوریت عدالت در حوزه مسائل دینی کار ویژه‌ای نشده است. هرچند مطالعات برنامه‌های توسعه سازمان ملل (۱۹۹۷) در خصوص حکومت‌داری پایدار با محوریت عدالت بنا نهاده شده است، به دلیل نبود مکانیسم نظارتی دقیق و قوی، عملاً در هیچ کشوری به غیر از چند کشور که دارای حکومت جمهوری اسلامی هستند، اجرا نشده است. مطالعات ماریت و زلکی (۲۰۰۰) حکومت‌داری پایدار را منوط به وجود قانون در کشورها قلمداد می‌کند، ولی نکته‌ای را نباید فراموش کرد و آن اینکه صرف وجود قانون، نشان از اجرای قانون نیست. مدل کی‌آی‌پی‌آی مثلثی را برای حکومت‌داری پایدار مطرح می‌کند که اضلاع این مثلث دو الزام از الزامات حکومت‌داری پایدار را نشان می‌دهد و کامل نیست، و این نشان‌دهنده ضعف این مدل است. از همین رو، در این پژوهش رویکرد کیفی اتخاذ شد تا با آزادی بیشتر، حکومت نبوی بررسی شود؛ رویکردی که کمک کرد سطوح الزامات چهارگانه توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را نمایان سازند.

طراحی مدل جامع حکومت دینی مبتنی بر آموزه‌های ... - محمد زادمهر (۱۳۵-۱۰۴) / ۱۳۳

بر اساس یافته‌های پژوهش که بررسی مضامین حکومت نبوی است می‌توان پیشنهادهایی را برای مدیران دولتی در ایران ارائه کرد که بخشی از آن‌ها به این شرح است:
توجه ویژه به عدالت در حوزه‌های گوناگون، که در زمان کنونی می‌توان به عدالت اقتصادی، عدالت فرهنگی، عدالت آموزشی و غیره اشاره کرد؛

بسترسازی برای شفافیت در هزینه‌کرد منابع مالی دولت در جهت افزایش سرمایه اجتماعی و اطمینان‌سازی؛

بسترسازی افزایش مشارکت مشورتی نخبگان، اندیشمندان، استادان و سایر اقشار مردم در امور حکومتی به منظور تأمین تضارب آرا؛

فصل الخطاب بودن قانون در همه تصمیم‌گیری‌ها و تمام کارکنان و توجه ویژه به تعارض منافع به ویژه در بخش‌های اقتصادی؛

رعایت بایسته‌های اخلاقی و بسترسازی مناسب در سازمان در چهارچوب حفظ کرامات انسانی؛

بسترسازی مناسب برای تحقق مردم‌گرایی و مردم‌داری در سازمان‌ها و ادارات؛
توجه به اصل شناخت از سازمان، ارکان و مخاطبان آن برای مدیران به منظور تحقق اهداف و برنامه‌ها.

کتابنامه

ابراهیم‌پور، حبیب (۱۳۹۵). «تبیین توسعه پایدار سیاسی؛ مطالعه موردی: ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س ۱۱، ش ۳، ص ۳۳-۵۸.

اخباری، محمد و دیگران (۱۳۹۴). «تبیین توسعه پایدار سیاسی؛ مطالعه موردی: ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س ۱۱، ش ۳، ص ۳۳-۵۸.

بووادر، تونی و الک لوفر (۱۳۹۳). مدیریت دولتی و حکمرانی، ترجمه علیرضا شیروانی، سیدمهدی الوانی و علیرضا ذاکر اصفهانی، اصفهان، نگین ایران.

بدیعیان، راضیه و دیگران (۱۳۹۱). «تدوین الگوی پیشنهادی مؤلفه‌های مدیریتی سرمایه اجتماعی با نگاهی به مفاهیم نهج البلاغه»، فصلنامه سیاست‌گذاری اقتصادی، س ۶، ش ۴۵، ص ۱۱-۲۵.

برزگر، ابراهیم (۱۳۸۳). تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران، تهران، سمت.
حکاک، محمد و دیگران (۱۳۹۷). «طراحی الگوی مفهوم اسلامی برای عدالت در نظام جبران خدمات مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه»، فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی، س ۷، ش ۲، ص ۳۴۹.

دانایی‌فرد، حسن و زینب مظفری (۱۳۸۷). «ارتقای روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی»، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، س ۱، ش ۱، ص ۱-۲۳.

دیباچی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۷). پیامبران دولتمرد: پژوهشی درباره مدل‌های حکومت در قرآن، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
رنگریز، حسن (۱۳۹۸). «طراحی الگوی دولت علوی مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه»، پژوهش‌نامه علوی، س ۱۰، ش ۲، ص ۲۳-۴۶.

_____ (۱۳۹۸). «طراحی الگوی حکومت‌داری پایدار مبتنی بر فرمان حکومتی حضرت علی به مالک اشتر»، پژوهش‌نامه سیاست اسلامی، س ۷، ش ۱۵.
ونقی، محمدحسین (۱۳۹۸). «حکمرانی خوب و حکومت مطلوب از منظر پارادایم‌های علوم اجتماعی»، همایش ملی اقتصاد، مدیریت توسعه و کارآفرینی با رویکرد حمایت از کالای ایرانی، زاهدان.

زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۹۷). تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، چ ۱۲، تهران، سمت.
رداد، محسن (۱۳۸۷). پیامبران دولتمرد: پژوهشی درباره مدل‌های حکومت در قرآن، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
ورعی، سیدجواد (۱۳۸۸). دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

سلطانی، محمدرضا و علی خانی (۱۳۹۵). «استخراج معیارهای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های فرهنگی مبتنی بر انتظارات و مطالبات مقام معظم رهبری»، فصلنامه مدیریت اسلامی، س ۲۴، ش ۲، ص ۱۰۵-۱۳۳.

سیاحی، حسین (۱۳۹۸). «تأثیر حکمرانی خوب بر جلب رضایت جامعه نسبت به حکومت»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره چهارم، ش ۴۷.

طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۸۹). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه جهانی سبئین.

طراحی مدل جامع حکومت دینی مبتنی بر آموزه‌های ... - محمد زادمهر (۱۳۵-۱۰۴) / ۱۳۵

طاهری خرم‌آبادی، سیدحسین (۱۳۸۹). ولایت و رهبری در اسلام، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۶.

عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روش ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، س ۵، ش ۲، ص ۱۵۱-۱۹۸.

فیرحی، داود (۱۳۸۶). تاریخ تحول دولت در اسلام، قم، دانشگاه مفید.

قزائتی، محسن (۱۳۹۸). تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

مقیمی، سیدمحمد (۱۳۹۹). اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، تهران، راه‌دان.

Costanza, R. & et. al. (1998). *Principle for Sustainable Governance of the Oceans*, Science 281 (5374), p. 198-199.

Clemens, R. (2003). *Sustainable Governance for Sustainability: Internalizing within a Public Service, Context Building Local Capacity*, Australia, Curtin University of Technology of Western Australia.

Twining, J. (2000). *A Naturalistic Journey into the Collaborator: In Search of Understanding for Prospective Participants*, Denton, Texas Woman's University.

Gardiner, R. (2002). *Governance for sustainable development: out coms from Johannesburg*.

King, N. & C. Horrocks (2010). *Interviews in Qualitative Research*, London, Sage.

Martia, S. & D. Zaelke (2000). *Rule, Good Governance and Sustainable Development*, United States, Washington DC.

Stirling, J. (2001). "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, 1(3), p. 385-405.

Porter, J. (2002). *Sustainability and Good Governance: Monitoring Participation and Process as well as Outcomes*, UTS Center for Local Government.